

آینه

وطن امروز

خو‌ا‌ه‌اش‌ما به همان کنسرت بپرداز!

● **حمید رحیمی‌نژاد:**
بیک نکته اساسی اما این است که نمود آزادی بیان کجا عیان می‌شود؟ آنجا که رسانه دولتی در حمایت از دولت متبوعش هر آنچه در دل دارد بر زبان جاری کند و پشتش به قدرت حکومتی‌اش گرم باشد؟!
یا اصولا اگر بناست فضای آزادی برای مطبوعات شکل گیرد علی‌الاصول این آزادی باید برای رسانه‌های منتقد حس شود تا فضا برای طرح «انتقادات سازنده» آماده شود
اگرنه که فراهم‌کردن فضای مناسب برای دوستان و طرفداران که تنها تسهیل‌کننده مجیزه‌گویی است که نه هنر است و نه شکستن گردن رستم! البته شاید در این میان گفته شود «وطن‌امروز» حتما خطبی کرده است و به جای طرح «انتقادات سازنده» زبان به «هتاک» علیه دولت گشوده است که چنین مورد غضب دولت اعتدال واقع شده است و هتاک را چنین سراسرت، اگرنه دولت را چه به برخورد با داغ و درفش با «انتقادات سازنده».
ما اصل را بر صحت این ادعا می‌گذاریم. اصلا «به جهنم» فرض می‌گیریم که نه‌تنها «وطن‌امروز» بلکه کیهان، مهر، فارس، تسنیم، رجا، مرحوم جهان‌نیز و دیگر رسانه‌های منتقد از جمله «اقلیت کوچک افراطی»، «هتاک»، «بی‌شناسنامه»، «کم‌سواد»، «مستوه»، «کودک» و «تخریبگری» هستند که «در فساد غوطه‌وراند» و «از جای معدودی تغذیه می‌شوند» و بهتر است وقتی به دلیل «ترسوبودن می‌لرزند»، «به جایی گرم بروند تا نلرزند» اما این فقط رسانه‌های منتقد نیستند که این چنین مورد غایت دولت واقع شده‌اند، این دولت از این نظر نمونه است که حتی کوچک‌ترین انتقاد رسانه‌های همسوی خود را نیز برنتابیده و سایت انتخاب را که به نوعی در نقش ستاد انتخاباتی دولت فعالیت کرد و می‌کند نیز با کوچک‌ترین انتقاد یک ماه فیلتر کرده است.
در پایان باید گفت اگر ریاست محترم جمهور واقعا نگران فضای آزادی بیان مطبوعات‌اند خود و دولت‌شان سعی کنند کمتر بگیرند و «بشکنند» و «ببندند» و اگر طبق رویه معمول بحث ایشان چیز دیگری است و می‌خواهند کمی‌ها و کاستی‌ها را در زیر این اظهارات پنهان کنند که بهتر است بلاغیرتا همان وارد عرصه‌هایی مانند کنسرت و… شوند و به «آزادی بیان» و «فساد»… نپردازند که با کارنامه درخشان دولت این پرداختن‌ها نه‌تنها باعث پوشش کاستی‌های دولت نمی‌شود بلکه در نهایت می‌تواند نقش تف سربالا را برای دولت بازی کند.

کیتان

آدرس غلط موصل یا ستول؟!

● **محمد صرفی:**
مشکلات معیشتی و ناپاسامانی‌های اقتصادی اگرچه عاملی مهم و قابل‌توجه در این زمینه هستند اما آنچه بیش از این مسائل، مردم را ناامید و اعتماد آنان را مخدوش می‌کند برخورد‌های دوگانه و سیاسی‌کاری‌هاست. رئیس‌جمهور زمانی قول داده بود چنان‌چه تحولی در اقتصاد ایجاد کند که مردم دستشان هم‌راه برای دریافت ۲۵ هزار تومان یارانه به‌سوی دولت دراز نباشد و برعکس دست دولت به سوی مردم دراز شود. چندی گذشت و دولت در فراخوانی عمومی از مردم خواست از دریافت یارانه انصراف دهند. درخواستی که با استقبال سرد مردم روبرو شد اما باعث نشد دولت محترم دست خود را بی کشند و افزایش چندباره قیمت آب و برق و گاز و تلفن و… پاسخ دولت به بی‌اعتنایی ملت در عدم انصراف از دریافت یارانه بود! اما دولتی که پرداخت یارانه را مصیبت علما می‌داند به دلایل سیاسی و انتخاباتی حاضر نیست یارانه ثروتمندان را قطع کند. برخورد‌های متناقض و عجیب و غریب دولت با ماجرای حقوق‌های نجومی یکی از بهترین نمونه‌ها برای مطالعه و بررسی نوع نگاه دولتمردان به مردم است. در ابتدای ماجرا رئیس‌جمهور به معاون اول خود نامه‌ای نوشته و دستور رسیدگی و برخورد قاطع می‌دهد، سخنگوی دولت مقابل‌ دوربین آمده و از مردم درخواست می‌کند. اما اینک پس از گذشت حدود شش ماه از افشای این ماجرا چه اتفاقی رخ داده و این پرونده سنگین در افکار عمومی به کجا رسیده است؟!
نجومی‌بگیران سرمایه‌های نظام معرفی شدند، برخورد با آنان غیرمتصفانه عنوان شد، ادعا شد خلا قانونی وجود داشته است، دولت قبل مقصر معرفی شد، کمتر از ۱۵ مدیر برکنار شدند که برخی از جایگزین‌های این عده نیز حوزه جزه لیست نجومی‌بگیران بودند، به جای برخورد انقلابی و قاطعانه با این گروه اندک اما بسیار آلوده و مضر، به خیال خود سعی کردند راه‌های افشای چنین اطلاعاتی بسته شود و خط‌ونشان‌های مکتوب و شفاهی برای درزدهندگان چنین اطلاعاتی کشیدند!
در چنین شرایطی شعار آزادی رسانه و گردش آزاد اطلاعات نیز می‌دهند و مدعی هم هستد که «نباید با بهانه‌های واهی، قلم‌ها را شکسته و دهان‌ها را بپندیم!» رسانه اگر تملق‌گویی کند و از تقریبا هیچ برجام، کوه بسازد و به خورد خلق‌الله بدهد، اگر به بهانه فسادستیزی هر روز رطب و یابس را به مردم بیاهد، اگر هر روز حاشیه‌ای بسازد تا مطالبات و اولویت‌های اصلی کشور و مردم به حاشیه رود، خوب است و قابل تقدیر اما اگر از حقوق نجومی مدیران بنویسد، می‌شود تنوشش اقربن و ناامیدکننده مردم و جامعه و نه‌تنها مستحق دریافت یارانه نیست بلکه باید به جهنم هم برود!

سیاست

به بهانه هفدهم آبان ماه ،پنجاهمین سال اعدام بهمن قشقایی

پیشگامان سياهکل

کامییز نجفی



هم به صورت مخفیانه به ایران و میان ایل قشقایی آمدند و به بهمن پیوستند و این موضوع مسئله را پیچیده‌تر و حساسیت حاکمیت را بیشتر کرد. علاوه بر تسخیر پاسگاه‌ها، چند نبرد دیگر موسوم به جنگ «مرزعه پهن» و «پوزه سرخ» که بین گروه بهمن و دولتی‌ها رخ داد، هزاران نظامی و چریک در همه این ایام در تعقیب آنها بودند.

دولت راه‌ها را برای تسلیم‌کردن بهمن همه آزمود. با تهدید و تطمیع هم برخی از سران قبایل را علیه او بسیج کرد و هم اطرافیان او را برانکند. هرازگاهی هواپیماها می‌آمدند و با پخش اعلامیه، قشقایی‌ها را از کمک به بهمن منع می‌کردند و همراهان او را تشویق و ترغیب می‌کردند خود را تسلیم کنند و با گرفتن اسلحه‌ها و ایل‌بگی داشتند، اغلب در جدال با حاکمیت بوده‌اند و

بگیرند. همه اعضا خانواده‌اش را یعنی: پدر، مادر و پنج خواهر و برادرش، دستگیر و به تهران منتقل کردند و در خانه‌های امن ساواک در سلطنت‌آباد تحت‌نظر و در واقع به گروگان گرفتند. فشار بر توده قشقایی‌ها و به‌ویژه کسانی که مشکوک به همکاری با بهمن بودند، شدت گرفت. ده‌ها نفر به جرم رساندن سوروسات و مهمات به بهمن تحت تعقیب قرار گرفتند و شکنجه شدند و آزار دیدند. یاران بهمن که یاغانی بومی و غیرسیاسی بودند و نسبتی فکری و سیاسی با هم نداشتند، کم‌کم از او کنار می‌کشند. خسروخان، به عنوان مهم‌ترین عامل در بسیج قشقایی‌ها و مدیریت این قیام، اما با تحلیل شرایط موجود و فروکش‌کردن قیام‌های توده‌ای سال ۲۲ و احتمالا مشکلاتی که در تدارک تجهیزات از جانب مصر پیش می‌آید، آمدن به ایران را منتفی می‌داند و عملیات را متوقف می‌کند. همه این عوامل باعث شد بهمن، ایرج و عطا ادامه حرکت را و بی‌قایده بداندن و قیام را پایان‌داده شده تلقی کنند. ایرج و عطا پیشنهاد خروج از ایران را دادند؛ اما بهمن راه آنها را نپسندید و تصمیم گرفت خودش را تسلیم کند. او به عفو خود به واسطه محمدخان ضرغامی و اسدالله علم امیدوار بود. ایرج و عطا شکسکولی توانستند از دریای جنوب خودشان را به دویی و اروپا برسانند؛ اما بهمن در فروردین ۴۵، خودش را در باغ ارم شیراز به اسدالله علم معرفی کرد و بر خلاف انتظار، هفت‌ماه بعد در سحرگاه ۱۷ آبان ۴۵، پنج سال قبل از حادثه سياهکل، تیرباران شد.

دولت راه‌ها را برای تسلیم‌کردن بهمن همه آزمود. با تهدید و تطمیع هم برخی از سران قبایل را علیه او بسیج کرد و هم اطرافیان او را برانکند. هواپیماها می‌آمدند و با پخش اعلامیه، قشقایی‌ها را از کمک به بهمن منع می‌کردند و همراهان او را تشویق و ترغیب می‌کردند خود را تسلیم کنند و با گرفتن امکانات و تسهیلات مانند زمین و آب در پناه ارتش شاهنشاهی قرار بگیرند

از منظر تقدم زمانی، نبرد سياهکل در سال ۱۳۴۹ اتفاق می‌افتد؛ حال آن که قیام بهمن قشقایی پنج سال پیش از این در سال ۴۵–۱۳۴۴ صورت می‌گیرد. دوره زمانی هر دو قیام تفاوت چشمگیری دارند. نبرد سياهکل در تاریخ ۱۹ بهمن ۴۹ به پاسگاه روستای سياهکل حمله می‌کنند و بعد از یک ماه، دستگیر می‌شوند و یک هفته بعد، در ۲۶ اسفند، اعدام می‌شوند؛ درحالی‌که بهمن قشقایی در اوایل نوروز ۴۴ به ایران می‌آید و بعد از یک سال درگیری و گریز و فرار، در اوایل نوروز ۴۵ تسلیم می‌شود و هفت ماه بعد به جوخه اعدام سیرده می‌شود. به عبارت دیگر از حمله به پاسگاه سياهکل تا دستگیری و اعدام آنها، ۳۷ روز، و همین‌مراحل درباره بهمن قریب ۶۰۰ روز به طول انجامید.

پربیراه نیست اگر بگویم جنبش سياهکل هرگز یک جنبش توده‌ای قلمداد نمی‌شود. چریک‌ها در انتخاب منطقه سياهکل، علاوه بر موقعیت مناسب صخره‌ای و جنگلی منطقه برای استتار و گریز، همچنین به سابقه مبارزاتی در منطقه به واسطه قیام جنگل و مبارزات میرزا کوچک خان نظر داشتند؛ اما برخلاف تصور آنها سابقه مبارزاتی جنگلی‌ها عاملی برای بسیج توده‌ها نشد و با آنها در ایجاد همدلی و همراهی مردم ناکام ماند. به دنبال آگاهی‌بخشی یافتند و به هیچ‌هیچ موضوعی در جلب حمایت مردم به دست آوردند. از قضا نه‌تنها هیچ نشانه‌ای از همراهی مردم در رساندن آذوقه و سوروسات و مهمات به چریک‌ها نمی‌بینیم؛ بلکه شواهد نشان از همکاری گسترده و داوطلبانه مردم منطقه با ساواک و نیروهای انتظامی دارد. محمد خدابنده‌لنگرودی، چریکی که حمله به پاسگاه سياهکل برای آزادی او صورت گرفت، چند روز پیش از سوی مردم روسا دستگیر و تحویل پاسگاه داده شده بود. تاجبخش، معاون وقت پاسگاه، می‌گوید: «اتفاقاً مردم محلی در ردیابی چریک‌ها در جنگل خیلی کمک می‌کردند.»

وی نقش همکاری مردم را بسا نظامیان عمده می‌داند و می‌گوید: «... فرمانده هنگ رفت به دنبال معتمدان محلی که آنها به این تیم عملیاتی کمک کنند. همین معتمدان به‌راحتی توانستند در چریک‌ها را پیدا کنند. تقریبا دو سه نفر را در جنگل دستگیر کردند و دو سه نفر دیگر هم به محل و در خانه روستایی‌ها بازداشت شدند. اگر محلی‌ها نبودند، این عملیات محال و ماه‌ها به طول می‌انجامید.» اما در ماجرای بهمن به جز دو سه خیرچین که همکاری آنها با دولتی‌ها مسلم است، از تیره و طوایف مختلف قشقایی که در حوزه تحرکات بهمن حضور داشتند، نشانی چندانی از همکاری و خیرچینی و افشارگری از جانب توده مردم نمی‌بینیم.

تاجبخش می‌گوید: «وقتی چریک‌ها به خانه‌های روستایی‌ها می‌رفتند، همان اهالی خانه‌ها به ساواک با ستون عملیاتی خبر می‌دادند.»

پیشگامان سياهکل

امر مهم اینکه نیمی از تیم سياهکل نه به وسیله نظامیان، بلکه به دست مردم محلی دستگیر شدند. پزشک کشیک لاهیجان در ایام ماجرا می‌گوید: «...چریک‌ها در «گمل» به خانه چند روستایی پناه برده بودند و بی‌تدبیری آنها سبب شده بود تا آنها را در همان شب دستگیر کنند. جریان دستگیری از این قرار بود که آنها کوله‌پشتی حاوی سلاح‌ها را در ایوان خانه گذاشته بودند و در اتاق با ساکنان خانه درباره اوضاع زندگی و دیگر مسائل صحبت می‌کردند و شام می‌خوردند. دراین‌میان، فردی به کوله‌پشتی آنها شک کرده و آن را باز و جست‌وجو می‌کند و اسلحه‌ها و نارنجک‌های درونش را می‌یابد. از سوی دیگر، در بیشتر دهات آن منطقه، دولت به کدخداها و دیگر عوامل خود دستور داده بود که موظف هستند هر حرکت مشکوکی را فوراً گزارش کنند؛ بنابراین خبر حضورشان را بلافاصله به سپاهی دانش منطقه دادند. ضمن اینکه خودشان هم تصمیم گرفتند تا هنگام صرف شام روی چریک‌ها بیفتند، طاب ببندند و آنها را تحویل مأمورانی که سر خواهند رسید، بدهند...»

این کار در یک چشم‌پره‌رم‌زدن انجام شد و اعضای خانواده حتی با «فروکردن سیخ» به بدن چریک‌ها مقاومت آنها را درهم شکسته و آنها را به مأموران تحویل دادند. بقیه چریک‌ها نیز فردای آن روز در جنگل گذاشت و به ژاندارمری لاهیجان تحویل داده می‌شوند؛ اما بهمن با خبرچینی مردم و به وسیله قوای نظامی دستگیر نشد؛ بلکه خودش را تسلیم کرد. در اسناد ساواک درباره بهمن به نام بی‌شمار قشقایی برمی‌خوریم که در پیونده وی به او در یک سال سوروسات و آذوقه و تجهیزات نظامی می‌رسانده‌اند و تیم او را میهمان می‌کرده‌اند و تعداد زیادی از قشقایی‌ها که به خاطر همکاری با بهمن محتمل شکنجه و تبعید و زندان‌های کوتاه و بلندمدت شدند.

در اتفاق سياهکل نباید از نقش نظامیان و ساواک در تهدید و تطمیع مردم منطقه در تخریب چریک‌ها و تحریک مردم غافل شد؛ به‌ویژه آنکه نیروهای نظامی و امنیتی به مردم دستور داده بودند که در صورت مشاهده چریک‌ها، به مراکز گزارش دهند؛ اما این فرمان در قشقایی‌ها هم صادر شده بود؛ ولی پاسخی نگرفت... چریک‌های سياهکل با اینکه براساس تحلیل تورسین‌ها و الگوهای خود مثل مانو که می‌گفت «ملت مانند اقیانوسی است که دشمن باید در آن غرق نشود» و به نقش توده‌ها امیدوار و متکی بودند، نتوانستند در این مهم توفیقی داشته باشند. ولی جریان بهمن خیلی توفیر دارد. او از آنجاکه ایلپاتی و بومی قشقایی بود و از قضا از خاندان ایلخانی محترم و حمایت شده عمده قشقایی‌ها بودند، خود نیز در این مدت به یک قهرمان قومی تبدیل شده بود و به‌ویژه توده مردم به او مهر می‌ورزیدند... ولی چریک‌های بومی منطقه جنگل نبودند. درس خوانده‌های دانشگاه که از شهرهای مختلف گرد آمده بودند و بدون اینکه دارای پیونده جغرافیایی با نژادی با منطقه و مردم باشند؛ روستای سياهکل را برگزیده بودند. یکی از دلایل موفق نشدن چریک‌ها، علاوه بر نبود ایدئولوژی مشترک، نبود پیونده عمیق قومی و جغرافیایی بین چریک‌ها و مردم سياهکل بود؛ ولی بهمن قشقایی و یارانش فرزندان یک ایل بزرگ در یک جغرافیای گسترده بودند که تعلقات قومی و پیوند ایلی در آنها قوی است. بهمن نه‌تنها توانسته حمایت‌های توده‌ای را در حد توان مردم و امکانات و شرایط جلب کند؛ بلکه تعداد زیادی از یاغی‌های با سابقه و جنگنده قشقایی به عنوان نیروهای مسلح به او پیوستند و در عملیات‌های مختلف شرکت داشتند. هرچند این یاغی‌های غیرسیاسی از طرفی از آسیب‌های قیام بهمن بود، اما از منظر وابستگی‌های قومی و حمایت توده‌ای حائز اهمیت و به‌ویژه در قیاس با سياهکل عمده و قابل‌تأمل است. تعداد یاران وی به شکل متغیر از چند نفر تا ۵۰ و حتی برای مدت کوتاهی نزدیک به صد نفر رسد.

توده مردم هم در رساندن سوروسات و هم عدم همکاری در ردیابی او، از هیچ کمکی کم نگذاشتند و نشانه همکاری مردم در اختفای بهمن و یارانش همین که نظامی‌ها در یک دک گسترده و در تعقیب بهمن‌خان، نتوانستند همکاری توده قشقایی را برای دستگیر یا افشای مکان وی جلب کنند. به نظر می‌آید دیدگاه چوکوارا که جنگ‌های چریکی را جنگ توده‌ها می‌داند، درباره بهمن بهتر محقق شد تا قیام سياهکل.

قسقایی‌ها نه‌فقط در ردیابی بهمن و مسیر حرکت او با نظامی‌ها همکاری نمی‌کردند، بلکه بخش عمده منابع اطلاعاتی بهمن همین‌ها بودند که جابه‌جا تحرکات نظامی را به اطلاع بهمن می‌رساندند و او را موفق به گریز یا بانک می‌کردند. در اسناد به‌جامانده از ساواک علاوه بر یاغی‌های هم‌رمز بهمن به نام بالغ بر ۵۰ نفر بر می‌خوریم که به نحوی با بهمن همکاری می‌کرده‌اند. نیروهای نظامی با تهدید و تطمیع، برخی از کدخدایان و خواین منطقه را مجبور به همکاری کردند و در تعدادی از سران قشقایی به عنوان سرچریک و تعدادی به عنوان چریک که از دولت حقوق می‌گرفتند به همکاری با دولت بپردازند. اما در عمل می‌شنویم که معمولا از همکاری جدی با آنها اجتناب می‌کردند و اغلب با تساهل و سهل‌انگاری مانع موفقیت حاکمیت در نبرد با نیروهای مبارز با دستگیری آنها می‌شدند. ایرج کشکولی نیز به موارد متعددی اشاره می‌کند که چریک‌های محلی قشقایی با تمهیداتی به دست فریب نظامیان و فرار گروه می‌شده‌اند. ایرج کشکولی می‌گوید: «... مثلا هنگامی که محاصره‌ای آغاز می‌شد و حمله‌ای را شروع می‌کردند، فرماندهان نظامی اکیدا ممنوع کرده بودند که چریک‌های محلی بدون دستور آنان حمله را آغاز کنند، اما آنان اغلب بی‌موقع تیراندازی می‌کردند و عملا به‌این‌ترتیب خبر می‌دادند حمله‌ای در پیش است.»

ایرج می‌نویسد: «فرمانده گروه دوم عملیات که از طرف مقابل می‌آمد تا راه را بر ما ببندد، شخصی بود به نام ستوان مسیح که کلاتر یک‌ی از طایفه‌های قشقایی به نام بهلولی بود. بعدها شنیدیم که در حین عملیات ما را با دوربین دیده و شناخته است، به همین جهت آگاهانه ژاندارما را به سمت دیگری هدایت کرده تا بتوانیم برگریزم. بعدها وقتی که چریک‌هایی که تحت فرماندهی ستوان مسیح در جریان عملیات شرکت داشتند، موضوع را برایمان تعریف کردند تازه متوجه شدیم که چه اتفاقی افتاده است. کسی که ما فکر می‌کردیم خودش دنبال بچه‌های سياهکل افتادند، در عمل باعث نجاتمان شده بود.»

روایت‌های این‌چنین در نقل‌های شفاهی ایل زیاد شنیده می‌شود. «در یکی از این تعقیب‌ها در منطقه‌ای به نام دوتوی لغز در قیر و کارزن یکی از چریک‌های دولتی به نام امیرحمزه کهواده در حالی که نیروی بهمن‌خان را در محاصره آگاهانه بودند با اطلاع به‌موقع آنان را از چنگ نیروهای دولتی فراری می‌دهد. برخلاف مردم شمال که خودش دنبال بچه‌های سياهکل افتادند، اما قشقایی‌ها با همه بگیروبیندها و شکنجه و آزار برای لودادن محل اختفای تیم بهمن، با نیروهای دولتی همکاری چندانی ندارند و بهمن و یارانش هیچ‌وقت به وسیله قشقایی‌ها لو نرفتند و اعضای این تیم به دست نیروهای دولتی نیفتاد تا اینکه در نهایت عطا و ایرج از مهلکه گریختند و بهمن هم خودش تسلیم شد. داستان‌های زیادی از شکنجه و زندان و آزار قشقایی‌ها بر سر زبان‌هاست که از همکاری با دولت برای دستگیری بهمن و یارانش سر باز زدند. اما سياهکل یک تأثیر عمده و انکارنشدنی دارد و آن تأثیر بر ادبیات و هنر ایران است. بعد از این ماجرا، ادبیات و به‌ویژه شعر، شکلی مبارزاتی و عریان می‌گیرد. سياهکل موجد جریان‌ی در ادبیات ایران شد به نام شعر چریکی که چهره‌های شاخص آن سعید سلطان‌پور، خسرو گل‌سرخ‌ی، علی میرفطروس و جعفر گوش‌آبادی و سیاوش کسرایی بودند.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

کیتان

- وزارت نفت: با صرفه‌جویی ۱۰درصدی گاز سهمیه‌بندی نمی‌شود
- دبیر شورای مرکزی اصولگرایان: از پایبندی حاداعادل به تصمیمات جبهه متحد اصولگرایان متشکرم
- متکی: آمریکا با سیاست‌های ب‌وش در حال بالارفتن از پلکان بحران است
- مرعشی: سخنگوی کارگزاران: هاشمی بنیان‌گذار اصلاحات بود
- وزارت دولت اصلاحات: تخریب رقیب و تضعیف ارکان نظام در انتخابات مشروع نیست
- با مشارکت کنسرسیونم ایران- اتریش- آلمان قرارداد احداث خط آهن مشهد- بجنود- کرگان به امضا رسید
- باهنر، نایب‌رئیس مجلس: استمرار سفرهای استانی قابل تقدیر است

اعتراض

- در اولین اجتماع انتخاباتی سراسری اصلاح‌طلبان مطرح شد: انتالف گروه‌های اصلاح‌طلب تنها راه برون‌رفت از شرایط ویژه کشور
- اعتراض ایران به خطرناک سرخ اینترنتیل در پی صدور حکم بازداشت بین‌المللی پنج مقام ایرانی
- معاون ستاد کل نیروهای مسلح: ایران برای ضربه‌زدن به آمریکا از امکانات خوبی برخوردار است
- دبیرکل حزب اعتماد ملی: کرده‌های سخت انتخابات پیش‌رو است
- سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس بیان کرد: نیاز اصلاح‌طلبان به رسانه فراگیر ملی
- مدیر امور بین‌الملل شرکت نفت: کشورهای درحال‌توسعه بازندگان اصلی بازی افزایش قیمت نفت هستند

ایران

- محمدرضا باهنر: استمرار سفرهای استانی دولت قابل تقدیر است
- ایران و ارمنستان تفاهم‌نامه همکاری دفاعی امضا کردند
- ۹ ایرانی از بند نیروهای آمریکایی در عراق آزاد شدند
- امامی‌کاشانی در خطبه‌های نماز جمعه: تولید بمب اتم، براساس شرع اسلام حرام است
- ایران تصمیم مجمع عمومی پلیس بین‌الملل را تقبیح کرد
- نخست‌وزیر هند در دیدار با وزیر کشور ایران: دهلی نو با سیاست‌های یک‌جانبه مخالف است
- عراق مذاکرات جدید با ایران و آمریکا را خواستار شد
- مهدی کوچک‌زاده، نماینده مردم تهران: اکثریت مجلس قصد دولت را برای خدمت درک کرده است

اقتصاد

- رئیس دولت اصلاحات: نگران مشکلات بزرگ‌تر برای کشور هستم
- وزیر کشور: رای بر علیه ایران در شورای حکام براساس منافع ملی هند بوده است
- رئیس قوه قضائیه: به‌نتیجه‌نرسیدن اقدامات خیر، به دلیل عدم درک منطقی است
- بوش: حمله سسته‌ای ایران به اسرائیل جنگ سوم جهانی را آغاز می‌کند
- حسن بیادی، نایب‌رئیس شورای شهر تهران: مجلس هفتم به مسائل سیاسی بیشتر از مشکلات شهری توجه داشته است
- نایب‌رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس: دادن چنر سفید در بوجه خدمت به دولت نیست
- سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی: آن‌قدر کاندیدا داریم که نگران رد صلاحیت‌ها نیستیم

جمهوری اسلامی

- وزیر کشور: فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب قوانین بین‌المللی است
- قائم‌مقام بانک تجارت: بانک‌های دولتی تأمین‌کننده نقدینگی بانک‌های خصوصی هستند
- دادستان کل کشور در واکنش به اقدام اینترنتیل: پلیس بین‌الملل تحت فشار لابی‌های صهیونیستی علیه ایران تصمیم گرفته است
- وزیر دفاع: دیپلماتی دفاعی ایران مبتنی بر گسترش صلح و امنیت پایدار است
- رئیس قوه قضائیه در دیدار سفیر هلند در ایران: آمریکا و اسرائیل مانع برقراری روابط صحیح بین کشورها هستند
- سخنگوی وزارت خارجه ایران: ملکه انگلیس از سوابق فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران آگاه است
- متکی: تحریم در جهان کنونی قابل اجرا نیست

اطلاعات

- زیاری: ایران به مهار شبه‌نظامیان کمک کرد
- رئیس‌جمهور ارمنستان بر اجرایی‌شدن توافق‌ها با ایران تأکید کرد
- متکی: تحریم‌ها علیه ایران نتیجه‌بخش نیست
- رئیس دولت اصلاحات: تضعیف دولت نه مشروع است نه مطلوب
- سرپرست وزارت نفت خبر داد: وظیفه بررسی قراردادهای نفتی از شورای اقتصاد گرفته شد